

## وضعیت سازه‌بودگی زنجیره‌های شبه خرده‌جمله در گونه موکریانی<sup>۱</sup>

### شجاع تفکری رضایی<sup>۲</sup>

استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

### رؤیا تابعی<sup>۳</sup>

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

### خسرو غلامعلی زاده<sup>۴</sup>

استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

## چکیده

خرده‌جمله سازه‌ای با ساختار [NP XP] است که متمم افعال خاصی همچون «پنداشتن» و دیگر افعال هم‌معنی آن واقع می‌شود. زنجیره مذکور در برخی زبان‌ها همچون سوئدی، انگلیسی، عربی، فرانسوی و فارسی سازه‌ای تحت عنوان «بند کوچک» یا «خرده‌جمله» تشکیل می‌دهد. در توصیف این بندها، خرده‌جمله‌ها بندی فاقد فعل خودایستا، متمم‌ساز و تصریف معرفی می‌شوند که ساختار آنها به صورت [NP XP] است. (XP) در این بندها می‌تواند گروه اسمی، گروه صفتی و یا گروه حرف‌اضافه باشد. به لحاظ معنایی نیز خرده‌جمله‌ها دارای معنای گزاره‌ای هستند که معنای یک جمله کامل را در خود دارند. پژوهش حاضر در چارچوب نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی و به منظور بررسی سازه‌بودگی زنجیره [NP XP] در زبان کردی، گویش سورانی، گونه موکریانی انجام شده است. در این راستا، با استناد به شواهدی از زبان کردی که به صورت میدانی گردآوری شده‌اند، به بررسی داده‌ها می‌پردازیم. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد زنجیره [NP XP] به عنوان متمم افعالی همچون «*færz*» «*kerden*» فرض کردن، «*zanin*» دانستن، «*bæ hesew henan*» به حساب آوردن، «*new nenan*» نامیدن، و «*bæ næzær haten*» به نظر آمدن، به تمامی آزمون‌ها پاسخ سازه‌ای می‌دهد. همچنین استدلال‌های ارائه شده نیز سازه‌بودن زنجیره را اثبات می‌کنند. در نتیجه، زنجیره [NP XP] در این گونه از زبان کردی یک سازه تشکیل می‌دهد؛ سازه حاصل خرده‌جمله است.

**کلیدواژه‌ها:** گونه موکریانی، خرده‌جمله، آزمون تشخیصی، سازه‌بودگی، زنجیره [NP XP].

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۲۱

sh.tafakkori@razi.ac.ir

tabei.roya@razi.ac.ir

gholamalizade@razi.ac.ir

۱- تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۵

۲- پست الکترونیکی:

۳- پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

۴- پست الکترونیکی:

۵- آوانویسی داده‌ها براساس نظام آوانگار بین‌المللی است.

## ۱- مقدمه

با مطالعه نحو، به عنوان بخش خلاق زبان که تصویری منسجم از اجزاء منفک زبان به دست می‌دهد، می‌توان قواعد حاکم بر زنجیره‌های زبانی و الگوهای حاکم بر همنشینی آنها را استخراج کرد. به عقیده درزی (۱۳۸۹: ۸) برخی این مطالعه را به جورچینی تشبیه کرده‌اند که با حل آن به تصویر جالب و خیره‌کننده‌ای دست می‌یابیم که با دیدن اجزاء جدا از هم آن دست‌یابی بدان امکان‌پذیر نیست. بدین ترتیب دستور زبان با توصیف این قواعد و شیوه باهم‌آیی سازه‌ها، شیوه ترکیب زنجیره‌های نحوی و انواع آن را مشخص می‌کند. گروه فعلی، به عنوان یکی از سازه‌های مهم جمله، مطالعات فراوانی را به خود اختصاص داده است. افعال سازه‌هایی را، به صورت گروه‌ها و بندهای ایستا و ناخودایستا، در نقش متمم خود برمی‌گزینند که هریک از آنها دریچه‌ای نو رو به زبان و مطالعات زبانی می‌گشایند. از میان این متمم‌ها شاید به جرأت بتوان گفت که خرده‌جمله، یکی از متمم‌های بندی فعل، از بحث‌برانگیزترین سازه‌ها در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی و برنامه کمینه‌گرا است. به این ترتیب، در این پژوهش برآنیم تا با استفاده از آزمون‌های تشخیصی وضعیت سازه‌بودگی این زنجیره‌ها را در گویش سورانی، گونه موکریانی<sup>۶</sup> بررسی کنیم.

## ۲- خرده‌جمله

تحلیل ماهیت زنجیره [NP XP] در جمله شماره (۱) همواره چالشی پیش روی زبان‌شناسان بوده است.

1) I consider [him angry].

کریستال<sup>۷</sup> (۲۰۰۳: ۴۲۱) خرده‌جمله را در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی بندی فاقد فعل خودایستا، متمم‌ساز و تصریف معرفی می‌کند که ساختار آن به صورت [NP XP] است. در این بند (XP)

۶- گونه موکریانی، گونه مورد مطالعه در این پژوهش، که اغلب «گونه مهابادی» هم نامیده می‌شود، زبان ارتباطی کردهای واقع در آذربایجان غربی و شمال استان کردستان، حد فاصل شهرستان‌های آشنویه، بوکان، سقر و بانه است. این گونه نیز توانسته است شکل اصیل بسیاری از لغات و ساختارها را حفظ کند و در نوشتار، مجله و روزنامه نیز به کار رود. کلباسی (۱۳۶۲: ۱۲) این گونه را از گرومانجی شمالی مجزا کرده و در دسته سورانی قرار داده است.

می‌تواند یک گروه اسمی، گروه صفتی و یا گروه حرف‌اضافه باشد. کاردینالتی<sup>۸</sup> و گائوستی<sup>۹</sup> (۱۹۹۵): (۱) بحث دربارهٔ خرده‌جمله را همچنان چالش‌برانگیز می‌دانند؛ به عقیدهٔ آنان خرده‌جمله به سازه‌هایی اشاره می‌کند که رابطهٔ نهاد و محمول را نشان می‌دهند. محمول این سازه‌ها برخلاف دیگر بندها فعل صرف‌شده ندارد و ساختار آنها به صورت [NP XP] است. مصدر، صفت مفعولی، گروه صفتی، گروه حرف‌اضافه و گروه اسمی سازه‌های ممکن در جایگاه محمول، (XP) هستند. تعاریف فراوانی از خرده‌جمله ارائه شده که وجه اشتراک همهٔ این توصیف‌ها نبود فعل خودایستا و متمم‌ساز در آن است. این زنجیره متمم‌دسته‌ای محدود از افعال همچون «پنداشتن، دانستن (پنداشتن)، فرض کردن، نامیدن» و دیگر افعال هم‌معنا واقع می‌شود. کاردینالتی و گائوستی (همان: ۲) بحث بر سر سازه‌بودگی این زنجیره را به مطالعاتی قبل از دستور زایشی نسبت می‌دهند، اگرچه علی‌رغم پژوهش‌های متعدد هنوز اتفاق نظر بر سر وضعیت سازه‌بودگی آن وجود ندارد. به طور کلی مطالعات صورت‌گرفته و به تبع آن تحلیل‌های انجام‌گرفته دربارهٔ خرده‌جمله در سه دسته جای می‌گیرند. در دستهٔ اوّل افرادی همچون سفیر<sup>۱۰</sup> (۱۹۸۳)، استول<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۳)، بات<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۵)، یوکویاما<sup>۱۳</sup> (۲۰۱۲)، درزی (۲۰۰۶) با اقامهٔ استدلال‌هایی در زبان‌هایی که مطالعه کرده‌اند، این متمم‌ها را سازه تلقی می‌کنند. این در حالی است که استول (۱۹۹۱) و ریتسی<sup>۱۴</sup> (۱۹۸۶) نیز با ارائهٔ تحلیل‌هایی قائل به وجود خرده‌جمله فقط در یکی از سطوح اشتقاق هستند و در نهایت در دستهٔ سوّم افرادی همچون هوکاری<sup>۱۵</sup> و لوین<sup>۱۶</sup> (۱۹۹۱)، آرتس<sup>۱۷</sup> (۱۹۹۲)، نیالی<sup>۱۸</sup> (۱۹۹۳)، پلارد<sup>۱۹</sup> و ساگ<sup>۲۰</sup> (۱۹۹۴)، بالتین<sup>۲۱</sup> (۱۹۹۸) و ایریمیا<sup>۲۲</sup> (۲۰۱۲) تعابیری متفاوت از ماهیت خرده‌جمله در

- 
8. A. Cardinalti
  9. M. T. Guastis
  10. K. Safir
  11. T. Stowell
  12. R. Bhatt
  13. T. Yokoyama
  14. L. Rizzi
  15. T. Hukari
  16. R. Levine
  17. B. Arts
  18. D. Napoli
  19. C. Pollard
  20. I. Sag
  21. M. Baltin
  22. M. Irimia

مقایسه با دو گروه پیشین دارند. آنان این اجزاء را منفک کرده و تعبیری جدید به دست می‌دهند. در واقع از نظر آنان سازه‌ای تحت عنوان خرده‌جمله وجود ندارد، بلکه این زنجیره ممکن است گروه تصریف، گروه زمان یا محمول مرکب باشد.

در این پژوهش برآنیم که وضعیت این زنجیره را در جایگاه متمم فعل‌هایی همچون «færz kerden» 'فرض کردن'، «zanin» 'دانستن'، «bæ hesew henan» 'به حساب آوردن'، «new nenan» 'نامیدن' و «bæ næzær haten» 'به نظر آمدن' در گونه مکررانی از لحاظ سازه‌بودگی بررسی کنیم. در ادامه فصل، ابتدا مطالعات صورت گرفته در این زمینه از نظر خواهد گذشت، سپس با بکارگیری چند استدلال متناسب با ویژگی‌های زبان کردی، همچون مرجع‌گزینی، عنصر جانشین، آزمون دگرگویی و چند استدلال دیگر سازه‌بودگی آن را می‌سنجیم.

### ۳- مطالعات صورت گرفته در باب خرده‌جمله

بررسی مطالعات اخیر در زمینه خرده‌جمله نشان می‌دهد که سازه مذکور از جمله سازه‌های بحث‌انگیز در زبان‌شناسی است که با وجود تعدیل نظریه اصول و پارامترها و ظهور برنامه کمینه‌گرایی چامسکی<sup>۲۳</sup> (۱۹۹۳) همچنان وضعیتی متزلزل دارد، به طوری که درباره وجود یا نبود آن قطعیتی نیست. تحقیقات انجام شده در این زمینه را می‌توان در دو دسته کلی جای داد؛ دسته اول آن دست از مطالعاتی هستند که به اثبات وجود و یا نبود این بند در زبان‌های مختلف می‌پردازند، در حالی که مطالعات دسته دوم با پذیرش وجود خرده‌جمله ویژگی‌های درونی این بندها را بررسی کرده‌اند. در این بخش، با توجه به هدف اصلی پژوهش، مطالعات انجام شده در باب سازه‌بودگی این زنجیره مطرح می‌شوند.

یوکویاما (۲۰۱۲) به طور همزمان فرضیه محمول مرکب<sup>۲۴</sup> و خرده‌جمله را در زبان ژاپنی بررسی کرده است. به عقیده او در تحلیل سازه‌های شبه خرده‌جمله، فرضیه خرده‌جمله از فرضیه محمول مرکب قوی‌تر است. وی با استفاده از عناصر قطبی منفی<sup>۲۵</sup> و ادات تکریم<sup>۲۶</sup> اثبات می‌کند که این زبان سازه‌ای تحت عنوان خرده‌جمله دارد. زبان ژاپنی دو عنصر قطبی منفی نامعین «(anyone) dare-mo»

23. N. Chomsky

24. complex predicate

25. negative polarity items

26. honorifics

و معین «NP-sika» (only NP) دارد. این عناصر و علامت نفی<sup>۲۷</sup> نباید هم‌بند باشند، در غیر این صورت جملهٔ حاوی آن غیردستوری خواهد بود. بر اساس داده‌هایی مانند جملهٔ شمارهٔ (۲) یوکویاما (۲۰۱۲) چنین نتیجه می‌گیرد که [NP XP] مورد نظر در زبان ژاپنی مانند یک سازه عمل می‌کند، به گونه‌ای که اگر عنصر قطبی منفی و محمول منفی هم‌بند نباشند، جمله بدساخت می‌شود. همچنین نفی باید دامنه‌ای وسیع‌تر از عنصر قطبی منفی داشته باشد. هر دوی این ویژگی‌ها فرضیهٔ خرده‌جمله را قوی‌تر از محمول مرکب می‌کنند. در این جمله، زنجیرهٔ قرارگرفته در داخل قلاب همان زنجیرهٔ [NP XP] مدّ نظر است. در این زنجیره گروه اسمی «George-sika» (only George) با عنصر نفی هم‌بند بوده و همچنان جمله خوش‌ساخت است. این خوش‌ساختی نشان می‌دهد که زنجیرهٔ مورد نظر مانند یک بند عمل می‌کند که در آن عنصر قطبی منفی معین «sika-» و علامت نفی «-na» به‌طور همزمان در آن حضور دارند و جمله‌ای خوش‌ساخت به دست داده‌اند.

2) John -ga [George -sika (sono sigoto -ni) huawasi -ku na -ku] kazi -ta.

John -NOM George -only that job -for suitable -p Neg -p feel -Pst.

“John felt that only George was suitable for that job.”

(یوکویاما، ۲۰۱۲)

استدلال دیگر استفاده‌شده در حمایت از خرده‌جمله در زبان ژاپنی<sup>۲۸</sup> ادات تکریم است که باید با موضوع تکریم‌شده، در واقع همان فاعل، هم‌بند باشند. به عبارت دیگر، اگر گروهی اسمی در ساخت [NP XP] بتواند با این ادات تکریم شود، آن گروه اسمی قطعاً یک فاعل ساختاری است. به علاوه فاعل مورد نظر باید قابلیت تکریم شدن را داشته باشد. در نمونهٔ زیر پیشوند تکریم «go» همراه با (XP) موجود در [NP XP] مورد نظر به کاربرده شده است. همچنین، گروه اسمی (NP) در زنجیرهٔ [NP XP] قابل احترام است. از آنجا که خدمتکار شایستگی تکریم ندارد، اگر این پیشوند گروه اسمی «siyoonin» را تکریم می‌کرد، جمله بدساخت می‌شد.

3) Siyoonin -ga **kokuoo** -o **go** -soomee ni kanzi -ta.

Siyoonin -NOM king -ACC Hon -wise P feel -Pst.

“The servant felt that the king was wise.”

(یوکویاما، ۲۰۱۲)

به عقیده وی زنجیره مورد نظر در زبان ژاپنی مانند یک سازه، تحت عنوان خرده‌جمله، عمل می‌کند. بات (۲۰۰۵) با استناد به چند استدلال به بررسی وضعیت سازه مذکور در زبان انگلیسی پرداخت. استدلال اول وی مبتنی از زیرمقوله‌بندی<sup>۲۹</sup> و انتخاب پوچ‌واژه<sup>۳۰</sup> و اصطلاح‌پاره‌ها<sup>۳۱</sup> توسط فعل است. از جمله ویژگی‌های پوچ‌واژه عدم امکان حضور آن در جایگاهی غیر از جایگاه فاعل است. جملات شماره (۴) و (۵) گواه این ویژگی هستند.

4) **It is raining.**5) **\*I saw it.**

(بات، ۲۰۰۵)

همچنین در زبان انگلیسی برخی گروه‌های اسمی مفعولی فقط با افعال خاصی به کار می‌روند؛ در واقع این گروه‌های اسمی در مقام مفعول دستخوش محدودیت باهم‌آیی شدید می‌شوند.

6) **Lane took advantage of Andrew./ Advantage was taken of Andrew.**7) **\*I persuaded advantage [to be taken of Andrew].**

با توجه به ویژگی‌هایی که ذکر آن رفت، در نمونه‌های زیر مشاهده می‌شود که پوچ‌واژه و اصطلاح‌پاره‌ها که در جملات (۸) و (۹)، به ترتیب، تیره شده‌اند، می‌توانند به عنوان مفعول فعل‌های خاصی واقع شوند. این افعال خاص، همان فعل‌هایی هستند که زنجیره [NP XP] را به عنوان متمم خود انتخاب می‌کنند. حضور پوچ‌واژه‌ها و اصطلاح‌پاره‌ها در جایگاه مفعول جملات شماره (۸) و (۹) و خوش‌ساختی این جملات متضمن این است که این مفعول‌ها در سطحی از اشتقاق فاعل ساختاری بندهای درونی شده بوده‌اند.

8) **We consider it unlikely that John will win.**9) **We considered the chips down.**

(بات، ۲۰۰۵)

استدلال دیگر نفوذ قیدواره‌ها در میان سازه‌های جمله است. علی‌رغم آزادی حضور گروه‌های حرف اضافه و قیدهای فعل، مانند ضمائر تأکیدی درون گروه فعلی، این گروه‌ها نمی‌توانند به داخل سازه‌های درونی شده مورد نظر نفوذ کنند و جملاتی غیردستوری به دست می‌دهند.

10) **\*I consider [the mayor myself to be very stupid].**

29. sub-categorization

30. expletive

31. idiom chunk

(بات، ۲۰۰۵)

بات (۲۰۰۵) نیز به کمک این استدلال‌ها تحلیل زنجیرهٔ [NP XP] به‌عنوان خرده‌جمله را در زبان انگلیسی ترجیح می‌دهد.

استول (۱۹۸۳) نیز با ارائهٔ شواهدی ساخت [NP XP] را در زبان انگلیسی یک سازه تحت عنوان خرده‌جمله می‌داند. وی با اقامهٔ شواهدی از قیدها و ضمائر انعکاسی<sup>۳۲</sup> تأکیدی اثبات می‌کند که در تمامی موارد زنجیرهٔ مورد نظر مانند یک سازه عمل می‌کند. قیدها و ضمائر انعکاسی از جمله سازه‌های شناور در جمله هستند که حرکت آزادانه دارند. در مثال شمارهٔ (۱۱) نشانهٔ (^) جایگاه احتمالی ضمیر انعکاسی تأکیدی را نشان می‌دهد.

11) I ^ gave a present **myself** to the mayor ^.

(استول، ۱۹۸۳)

علی‌رغم حرکت آزادانهٔ قیدها و ضمائر انعکاسی تأکیدی در جمله، این عناصر نمی‌توانند در میان [NP XP] مورد بررسی حضور یابند، در نتیجه می‌توان زنجیرهٔ مورد نظر را یک سازه دانست که عناصر شناور علی‌رغم آزادی حرکت در میان جمله، نمی‌توانند به داخل این زنجیره نفوذ کنند. از نظر استول (۱۹۸۳) این سازه خرده‌جمله است. جملهٔ شمارهٔ (۱۲) عدم امکان حضور این عناصر را در زنجیرهٔ [NP XP] نشان می‌دهد.

12) a. \* I consider [Johan **myself** to have won].

b. \* I consider [the mayor **myself** very stupid].

c. \* I want [him **very much** off my ship].

(استول، ۱۹۸۳)

سفیر (۱۹۸۳) نیز با ارائهٔ شواهدی نشان می‌دهد که حداقل برخی زنجیره‌های [NP XP] که متمم افعال خاصی واقع می‌شوند، سازه هستند. به عقیدهٔ وی این تعبیر از زنجیرهٔ [NP XP] به تعبیراتی که زنجیرهٔ مورد نظر به طور کلی سازه در نظر نمی‌گیرند، تفوق دارد.

گروه اسمی افتخاری<sup>۳۳</sup> یکی از استدلال‌های سفیر (۱۹۸۳) در حمایت از خرده‌جمله است. این گروه‌های اسمی همانند دیگر گروه‌های اسمی معمول در جابه‌جایی برای سؤال‌های بله/خیر با فعل

32. anaphoric

33. honorary noun clause (HNP)

کمکی، و ارتقاء<sup>۳۴</sup> برای گرفتن حالت حضور پیدا می‌کنند. تنها ویژگی خاصی که آنها را از دیگر گروه‌های اسمی متمایز می‌کند، عدم امکان حضور آن در جایگاه گروه اسمی محمول‌هایی غیر از افعال ربطی است. در جمله شماره (۱۳) سازه‌ای که درون قلاب آمده است، گروه اسمی افتخاری است که به ترتیب در جایگاه‌های سؤالی بله/خیر (۱۴) و ارتقاء (۱۵) به کار رفته است. لازم به ذکر است که این سازه‌ها گروه‌حرف اضافه تلقی نمی‌شوند، زیرا همانطور که گفته شد گروه‌هایی افتخاری هستند که در جایگاه‌های گروه‌های اسمی ظاهر می‌شوند، اگرچه کاملاً هم به گروه‌اسمی شباهت ندارند. به عبارت دیگر، از آنجا که این گروه‌ها در جایگاه سؤالی بله/خیر و ارتقاء به کار می‌روند، نمی‌توان آنها را گروه حرف اضافه تلقی کرد، زیرا چنین امکانی برای گروه‌های حرف اضافه وجود ندارد.

- 13) a. [Under the bed] is a cozy spot.  
b. \* [Under the bed] pleased the cat.  
14) a. Is [under the bed] a cozy spot?  
b. \* Did [under the bed] please the cat?  
15) a. [Under the bed] seemed to be a cozy spot.  
b. \* [Under the bed] seemed to please the cat.

(سفیر، ۱۹۸۳)

او اذعان می‌دارد خرده‌جمله‌ها نوعی گروه اسمی افتخاری هستند، زیرا در همان جایگاه‌های معمول برای گروه‌های اسمی افتخاری حضور دارند. داده‌های (a۱۶) و (b۱۶) بیانگر این ویژگی هستند. در جمله (a۱۶) سازه مشخص شده که خرده‌جمله تلقی می‌شود، درست در جایگاه گروه‌های اسمی افتخاری حاضر شده است. این سازه به صورت یک‌جا مفرد تلقی می‌شود و فعل همراه آن فعلی ربطی و مفرد است. همچنین گروه‌اسمی «women» علی‌رغم جمع بودن در مطابقتی ندارد. همین زنجیره در جمله (b۱۶) به‌عنوان فاعل فعلی غیر از فعل ربطی آمده است و جمله بدساخت است، زیرا مانند گروه‌های اسمی افتخاری فقط با فعل ربطی می‌آیند.

- 16) a. [Workers angry about the pay] is just the sort of situation that the ad campaign was designed to avoid.  
b. \* [workers angry about the pay] pleased Maybelle immensely.

(سفیر، ۱۹۸۳)



بنابراین به عقیدهٔ سفیر (۱۹۸۳) خرده‌جمله‌ها نوعی گروه‌های اسمی افتخاری و یک سازه هستند، اگرچه وی بحث دربارهٔ مقولهٔ دستوری این سازه را باز می‌گذارد، اما به عقیدهٔ وی جمله و گروه صفتی گزینه‌های ممکن هستند.

تنها پژوهش انجام شدهٔ مربوط به خرده‌جمله در زبان فارسی درزی (۲۰۰۶) است. در تمامی استدلال‌های ارائه‌شده در این تحقیق، زنجیرهٔ [NP XP] مانند یک سازه عمل می‌کند. وی با اقامهٔ استدلال‌های گوناگونی اثبات می‌کند که علی‌رغم تبیین‌های مختلف از جمله غلامعلی‌زاده (۱۳۷۴:۱۱۰) در زبان فارسی و ویلیامز<sup>۳۵</sup> (۱۹۸۳) در زبان انگلیسی متمم افعالی مانند «داشتن، به شمار آوردن، پنداشتن و گزارش کردن» در زبان فارسی دارای خرده‌جمله است. برخی از استدلال‌ها به صورت زیر است.

اولین استدلال درزی (۲۰۰۶) مبنی بر حضور خرده‌جمله 'همپایگی' است که نشان می‌دهد زنجیرهٔ مورد نظر یک سازه تشکیل می‌دهد که نمی‌توان آن را همپایگی دو گروه زمان و یا دو گروه فعلی دانست. در جملهٔ شمارهٔ (۱۷) زنجیره‌های قرارگرفته در درون قلاب همان زنجیره‌های [NP XP] هستند که می‌توانند با هم همپایه شوند و جمله خوش‌ساخت باشد.

(۱۷) او [حسن را عاقل] و [علی را دیوانه] می‌داند.

(درزی، ۲۰۰۶)

دومین استدلال ذکرشده در این تحقیق، ضمیر انعکاسی-تأکیدی عریان 'خود' است. به عقیدهٔ درزی (۲۰۰۶) ضمیر عریان در جملات فقط و فقط فاعل جمله را به‌عنوان مرجع خود می‌پذیرد. با این حال، در جملاتی از زبان فارسی این ضمیر آن گروه اسمی را که با تکواژ 'را' نشان‌دار شده است، به‌عنوان مرجع برمی‌گزیند. به‌دنبال این وضعیت وی معتقد است که مفعول روساختی در سطحی از بازنمود<sup>۳۶</sup> فاعل ساختاری بوده است. این فاعل ساختاری همان فاعل خرده‌جمله است.

(۱۸) آن‌ها [اخلاق را] خود یک فضیلت و سوءاستفاده از آن را مایهٔ بدبختی] می‌دانند.

(درزی، ۲۰۰۶)

استدلال سوم ایشان در حمایت از خرده‌جمله در زبان فارسی 'ابهام'<sup>۳۷</sup> است. درزی (۲۰۰۶)

---

35. E. Williams

36. representation

37. ambiguity

معتقد است برخی صفات در زبان فارسی بدون تغییر شکل در نقش قید هم به کار می‌روند. این کلمات در مفهوم جملاتی که فعل آنها افعالی نظیر به «حساب آوردن، پنداشتن، گزارش کردن، دانستن» و غیره باشد، ابهام به وجود می‌آورند، در حالی که با افعال دیگر چنین ابهامی در جمله دیده نمی‌شود. در جمله شماره (۱۹) از پژوهش موردنظر که فعل آن جزء فعل‌های مذکور نیست، کلمه «خوب» در نقش قید فعل اصلی را توصیف می‌کند، در نتیجه تنها معنای (الف) از آن برداشت می‌شود و برداشت (ب) منتفی می‌شود. حال اگر این کلمات در جایگاه محمول بندهایی واقع شوند که به ادعای درزی (۲۰۰۶) خرده‌جمله هستند، جمله مبهم می‌شود. به عقیده او اگر این کلمات نقش قیدی داشته باشند، فعل اصلی را توصیف می‌کنند. در حالی که اگر نقش صفتی داشته باشند، گروه اسمی حالت‌نما شده توسط 'را'، فاعل خرده‌جمله، را توصیف می‌کنند. در جمله شماره (۲۰) اگر 'خوب' نقش قیدی داشته باشد، مفهوم (الف) از آن برداشت می‌شود. حال اگر 'خوب' نقش صفتی داشته باشد، گروه اسمی 'حجاج را' توصیف می‌کند و مفهوم (ب) از آن برداشت می‌شود. بر اساس این تعبیرات، درزی (۲۰۰۶) زنجیره [NP XP] را خرده‌جمله تلقی می‌کند.

(۱۹) علی [این محله را خوب] می‌شناسد.

الف: علی این محله را به خوبی می‌شناسد.

ب: \* علی این محله خوب را می‌شناسد.

(۲۰) او حال [حجاج را خوب] گزارش کرد.

الف: او وضعیت سلامت حجاج را به خوبی گزارش کرد.

ب: حال حجاج خوب است.

(درزی، ۲۰۰۶)

استدلال بعدی ذکر شده در این پژوهش مربوط به 'مرجع‌گزینی'<sup>38</sup> ضمائر انعکاسی و دوسویه در زبان فارسی است. در زنجیره [NP XP] مشخص شده در درون قلاب در جمله شماره (۲۱)، اگر ضمیری انعکاسی یا دوسویه در (XP) وجود داشته باشد، آن ضمیر توسط (NP) حالت‌نما شده از طرف "را" مقید می‌شود. در حالی که ضمائر در این زنجیره آزاد هستند و اگر با گروه‌های اسمی حاضر در این زنجیره هم‌نمایه شوند، جمله بدساخت می‌شود. بنابراین درزی (۲۰۰۶) معتقد است

زنجیرهٔ [NP XP] سازه‌ای می‌سازد که مقولهٔ حاکمیت ضمیر انعکاسی درون (XP)، محمول خرده‌جمله می‌شود. این سازه همان خرده‌جمله است.

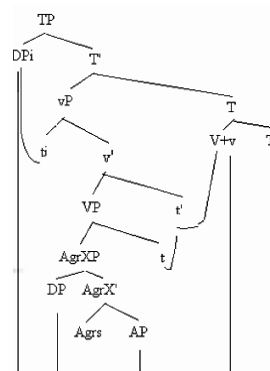
(۲۱) او z [دانشجوها را i دشمن یکدیگر /i \*z] می‌داند.

(درزی، ۲۰۰۶)

استدلال آخر وی از 'شیوهٔ بازبینی' در برنامهٔ کمینه‌گرایی است. درزی (۲۰۰۶) به پیروی از هگمن<sup>۳۹</sup> (۱۹۹۴) زنجیرهٔ [NP XP] را فرافکن نقشی (AgrP) در نظر می‌گیرد. به علاوه او معتقد است جمله گروه زمانی است که در زبان فارسی آرایش واژگانی (SOV) دارد. به این ترتیب، (T) و فاعل خرده‌جمله از بخش برشماری<sup>۴۰</sup> با مشخصهٔ حالت مفعولی تعبیرناپذیر انتخاب می‌شود. در نمودار زیر، (XP) همان محمول خرده‌جمله است. در اینجا فرض بر این است که جایگاه اصلی (DP) در جایگاه فاعل خرده‌جمله بوده است که مشخصهٔ حالت تعبیرنشدهٔ آن توسط مشخصهٔ حالت تعبیرنشدهٔ هستهٔ فعلی که با آن در مطابقت است، بازبینی می‌شود. اگر مشخصهٔ حالت فاعل خرده‌جمله بازبینی نشود، اشتقاق فرو می‌ریزد. حرکت (DP) به جایگاه مشخص‌گر (Agr XP) در صورتی قابل قبول است که فعل اصلی و محمول خرده‌جمله با هم یک سازهٔ واحد در شکاف<sup>۴۱</sup> جمله (۲۲) بسازد.

(۲۲) او پسرش را عاقل می‌داند، من دخترش را GAP.

(۲۳)



(درزی، ۲۰۰۶)

39. L. Haegeman

40. numeration

41. GAP

#### ۴- وضعیّت سازه‌بودگی زنجیره [NP XP] در گونه موکریانی

ساختار سازه‌ای جنبه‌ای دیگر از دانش زبانی ما است که نه تنها تفاوت میان جملات قابل قبول و غیر قابل قبول را مشخص می‌کند، بلکه این امکان را هم می‌دهد که جملات قابل قبول را به سازه‌ها و گروه‌های کوچک‌تر تجزیه کرد. در واقع اغلب جملات مجموعه‌ای از سازه‌های کوچک‌تر هستند که با هم ترکیب شده و سازه‌های بزرگ و بزرگ‌تر می‌سازند. به عقیده آرتس (۲۰۰۱: ۱۹۳) سازه به زنجیره‌ای از کلمات اطلاق می‌شود که با هم مانند یک واحد معنایی و نحوی رفتار می‌کنند. اغلب زبان‌شناسان با فراهم کردن آزمون‌های تشخیصی مناسب راه را برای تشخیص سازه‌ها هموار می‌کنند. در این بخش با استناد به چندین استدلال، همچون مرجع‌گزینی، عنصر جانشین، آزمون دگرگویی و آزمون پاسخ‌سازه‌ای، وضعیّت سازه‌بودگی زنجیره مورد بحث بررسی خواهد شد.

#### ۴-۱- مرجع‌گزینی

نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی به‌عنوان یکی از پرآوازه‌ترین نظریه‌های صورت‌گرا متشکل از تعدادی اصول جهانی است. در این نگرش شش اصل کلی شالوده نظریه را می‌سازند. از میان این اصول نظریه مرجع‌گزینی یکی از مهمترین اصول است، در اهمیت آن همین بس که خود بخشی از عنوان نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی را تشکیل می‌دهد. وظیفه این حوزه سازماندهی تعبیر گروه‌های اسمی در سطح جمله است. در این نظریه گروه‌های اسمی به سه دسته ضمائر ارجاعی، ضمیرها و عبارات ارجاعی تقسیم می‌شوند و مرجع‌گزینی هر یک از آنها توسط یکی از اصول سه‌گانه نظریه انجام می‌شود.

**اصل A:** اصلی است که مشخص کردن تعبیر ضمائر ارجاعی<sup>۴۲</sup> را به عهده دارد. ضمائر ارجاعی شامل 'ضمائر انعکاسی'<sup>۴۳</sup> و 'ضمائر دوسویه'<sup>۴۴</sup> و 'رد' گروه اسمی<sup>۴۵</sup> است. این ضمائر ارجاعی باید در مقوله حاکم<sup>۴۶</sup> خود مقید<sup>۴۷</sup> شوند؛ به عبارت دیگر، ضمائر ارجاعی و مرجع آنها باید هم‌بند باشند و مرجع نیز باید بر آن ضمیر سازه‌فرمانی داشته باشد. این مقوله حاکم نزدیک‌ترین و

42. anaphoric

43. reflexive pronouns

44. reciprocal pronouns

45. trace

46. government category (GC)

47. bound

کوچک‌ترین بندی در جمله است که شامل خود ضمیر انعکاسی، حاکم آن و فاعل/فاعل<sup>۴۸</sup> در دسترس<sup>۴۹</sup> باشد. فاعل به شرطی برای ضمیر ارجاعی در دسترس است که امکان هم‌نمایه کردن آن با ضمیر ارجاعی وجود داشته باشد. هگمن (۱۹۹۴: ۲۲۰) عنصر (الف) را که در جایگاه شاخص (XP) یا گروه مطابقت خودایستا<sup>۵۰</sup> قرار دارد، تنها در صورتی به‌عنوان فاعل (ب) می‌داند که چنانچه این دو عنصر هم‌نمایه شوند، هیچ اصل دستوری نقض نشود. بنابراین اگر زنجیره‌ای شامل این عناصر باشد، یک بند تحت عنوان مقولهٔ حاکم خواهد بود که ضمیر ارجاعی در درون آن باید مقید شود. مقولهٔ حاکم یک سازه تشکیل می‌دهد، زیرا از هر نظر 'کامل'<sup>۵۱</sup> تلقی می‌شود. منظور از کامل بودن این است که مقولهٔ موردنظر تمامی عملیات‌های<sup>۵۲</sup> لازم برای اصل فرافکنی را در بر دارد. به عبارت دیگر، این بند حاوی هستهٔ فرافکن، معمولی که نقش معنایی می‌دهد، متممی که نقش معنایی به آن اعطا می‌شود، و فاعلی که نقش معنایی بیرونی به آن داده می‌شود، است. چامسکی (۱۹۸۶: ۱۷۲-۱۶۹) این مقوله را 'مجموعهٔ کامل نقشی'<sup>۵۳</sup> می‌نامد. در نتیجه، مقولهٔ حاکم را می‌توان یک سازه در نظر گرفت.

**اصل B:** این اصل به تعبیر ضمائر می‌پردازد. این ضمائر باید در مقولهٔ حاکم خود آزاد باشند، به این معنی که این ضمائر و مرجع‌های آن نباید هم‌بند باشند.

**اصل C:** این اصل به توزیع و تعبیر گروه‌های ارجاعی مربوط می‌شود. عبارات ارجاعی 'اسم‌ها' و 'رد پرسشواژه' هستند که باید در همه جا آزاد باشند.

در تحلیل زنجیرهٔ مورد نظر، اصل (A) این نظریهٔ شواهدی دال بر سازه‌بودگی آن ارائه می‌دهد. به این صورت که در تمامی جملات حاوی زنجیرهٔ [NP XP]، این زنجیره مانند مقولهٔ حاکم برای ضمائر انعکاسی، ضمائر دوسویه و رد گروه اسمی عمل می‌کند. در جملهٔ (۲۴) زنجیرهٔ داخل قلاب همان [NP XP] مدنظر است که ضمیر دوسویه «jækter» 'همدیگر' در (XP) آن قرار دارد. اگر این ضمیر بتواند در درون این زنجیره مقید شود، می‌توان نتیجه گرفت این زنجیره تمام الزامات لازم برای فراهم کردن دامنه‌ای مناسب جهت مقید کردن این ضمیر ارجاعی را برآورده ساخته است،

48. SUBJECT

49. accessible

50. finite AGR

51. complete

52. function

53. Complete Functional Complex (CFC)

بنابراین یک سازه است. در ادامه این خصوصیت زنجیره مورد نظر به تفصیل شرح داده خواهد شد. با استناد به تعاریف ارائه شده، مقوله حاکم نزدیک‌ترین و کوچک‌ترین بند در جمله است که حاوی ضمیر ارجاعی، حاکم آن و فاعل / فاعل در دسترس باشد. در این زنجیره، ضمیر ارجاعی، ضمیر دوسویه «jækter»، 'همدیگر'، است که تحت حاکمیت حرف اضافه (i-) قرار دارد. تا به اینجا دو شرط حضور ضمیر ارجاعی و حاکم آن به درستی برآورده شده است. شرط بعدی حضور فاعل در دسترس است. فرض می‌کنیم فاعل در دسترس در این زنجیره گروه اسمی «zanjarækan»، 'دانشجویان' است. این گروه اسمی تنها عنصر حاضر در جایگاه شاخص (XP) در این زنجیره است و چنانچه آن را با ضمیر دوسویه «jækter»، 'همدیگر' هم‌نمایه کنیم، هیچ اصل دستوری نقض نخواهد شد. به علاوه با مقایسه زنجیره محصور درون قلاب در جمله شماره (۲۴) با جمله شماره (۲۵) مشاهده می‌شود که این گروه اسمی نقش معنایی خود را از گروه اسمی «dost-i jækter»، 'دوست همدیگر'، محمول جمله، می‌گیرد. جمله شماره (۲۵) همتای زنجیره مشخص شده در جمله شماره (۲۴) است. در نتیجه این گروه اسمی فاعل در دسترس برای مقوله حاکم است.

تا به اینجا، زنجیره مورد نظر شرایط لازم برای مقوله حاکم را دارا است. چنانچه این ضمیر دوسویه در درون آن مقید شود، زنجیره مذکور یک مقوله حاکم و یک سازه است. مقید شدن تابع شرایط خاصی است که در اصل (A) مرجع‌گزینی مطرح می‌شوند. اگر این شروط برآورده شوند، مقید شدن به درستی صورت می‌گیرد و جمله خوش ساخت خواهد بود، در غیر این صورت جمله‌ای بدساخت حاصل می‌شود. طبق شرط اول مقید شدن، ضمائر ارجاعی به گروه‌های اسمی موجود در جایگاه موضوع<sup>۵</sup> ارجاع می‌دهند. همچنین ضمیر ارجاعی و مرجع آن باید در مشخصه‌های اسمی مانند جنس و عدد مطابقت داشته باشند. شرط سوم مقید شدن مربوط به سازه‌فرمانی است که طبق آن ضمیر ارجاعی باید توسط مرجع آن سازه‌فرمانی شود.

حال وضعیت مقید شدن ضمیر دوسویه «jækter»، 'همدیگر'، در جمله شماره (۲۴) بررسی خواهد شد. مرجع ضمائر دوسویه الزاماً آن گروه اسمی جمع «zanjarækan»، 'دانشجویان'، در جایگاه موضوع است. با مقایسه مجدد جملات شماره (۲۴) و (۲۵) مشاهده می‌شود گروه اسمی جمع به عنوان فاعل جمله در جایگاه موضوع قرار دارد. به علاوه این گروه اسمی بر ضمیر دوسویه

موردنظر نیز سازه‌فرمانی دارد، در نتیجه می‌توان بدون نقض هیچ اصل دستوری این گروه اسمی جمع را با ضمیر دوسویه «jækter»، 'همدیگر' هم‌نمایه کرد. به این ترتیب، تمامی شروط لازم جهت مقیدشدن برآورده شده و ضمیر دوسویه مذکور در مقوله حاکم خود، زنجیره [NP XP]، مقید می‌شود. در نتیجه این زنجیره یک مقوله حاکم و یک سازه است.

24) mina [zanjar -æk -an<sub>i</sub> bæ dost -i jækter<sub>i</sub>] dazanet.  
mina student -the -pl<sup>56</sup> as freind -id<sup>55</sup> each other know.

«مینا دانشجویها را دوست همدیگر می‌داند.»

25) zanjar -æk -an<sub>i</sub> dost -i jækter<sub>i</sub> - en.  
student-the -pl friend -id each other -are

«دانشجویان دوست همدیگر هستند.»

علاوه بر مقیدشدن ضمیر دوسویه در جمله شماره (۲۴)، قابل قبول نبودن جمله شماره (۲۶) نیز به نوبه خود گواهی بر سازه‌بودگی زنجیره [NP XP] است. در جمله شماره (۲۶) به دلیل مقید نشدن ضمیر دوسویه «jækter»، 'همدیگر'، توسط گروه اسمی «vina» جمله بدساخت شده است. در این جمله، به پیروی از آنچه ذکر شد، زنجیره [NP XP] مقوله حاکم است، زیرا ضمیر دوسویه «jækter»، 'همدیگر'، حرف اضافه (i-) به عنوان حاکم و گروه اسمی «vina» نیز به عنوان فاعل در دسترس حضور دارند. علی‌رغم اینکه ضمیر موردنظر توسط گروه اسمی «vina» سازه‌فرمانی می‌شود، نمی‌توان آن را با گروه اسمی مفرد «vina» هم‌نمایه کرد، زیرا شرط مطابقت شماره نقض شده است. به عبارت دیگر، مرجع ضمیر دوسویه «jækter»، 'همدیگر'، الزاماً گروه اسمی جمع است. از طرفی نیز گروه اسمی «vina» مانع از مقیدشدن این ضمیر توسط گروه اسمی جمع در جایگاه فاعل بند پایه، خارج از مقوله حاکم، می‌شود. در نتیجه جمله بدساخت می‌شود و این امر نیز به نوبه خود حاکی از سازه‌بودگی زنجیره [NP XP] موردنظر در گونه موکریانی است.

26) \* zanjar -æk -an [vina dost -i jækter] heswedækæn.  
student- the- pl vina freind-id each other consider

«دانشجویها وینا را دشمن یکدیگر می‌داند.»

55. indefinite

56. plural

در تحلیل‌های زبان‌شناختی، سازه به کلمه یا گروهی از کلمات اطلاق می‌شود که با هم مانند یک واحد عمل می‌کنند. به عقیدهٔ اجر<sup>۵۷</sup> (۲۰۰۲: ۴۸) اگر بتوان یک واژه یا عبارت را با واژه‌ها یا عباراتی دیگر در همان جمله جانشین کرد و به دنبال این جانشینی تغییری در خوش‌ساختی جمله ایجاد نشود، و همچنین عنصر جانشین بتواند نقش دستوری مشابه ایفا کند، آن زنجیره یک سازه تلقی می‌شود. آزمون جانشینی یکی از راه‌های تشخیص سازه در جملات است. در این آزمون زنجیره‌ای از واژه‌ها با عناصر جانشین مناسب و یا دیگر گروه‌های نحوی جانشین می‌شوند و اگر تغییری در خوش‌ساختی جمله حاصل نشود، آن زنجیره یک سازه محسوب می‌شود (ردفورد<sup>۵۸</sup>، ۱۹۸۸: ۹۲؛ هگمن<sup>۵۹</sup>، ۲۰۰۶: ۷۷؛ هگمن و گوئیرون<sup>۶۰</sup>، ۱۹۹۹: ۴۶۱). عناصر جانشین شامل ضمائر فاعلی، ضمائر مفعولی و غیره هستند. این عناصر با توجه به مقولهٔ دستوری زنجیره‌ای که به جای آن می‌نشیند، به پنج دسته تقسیم می‌شوند که شامل جانشین جمله<sup>۶۱</sup>، فعل جانشین<sup>۶۲</sup>، جانشین اسم<sup>۶۳</sup>، جانشین قید<sup>۶۴</sup> و جانشین صفت<sup>۶۵</sup> هستند. عناصر ذکرشده به ترتیب به جای جمله، فعل، اسم، قید و صفت می‌آیند. هدف از کاربرد عناصر جانشین اغلب پرهیز از تکرار و تشخیص سازه‌بودگی زنجیره‌ای از کلمات است.

جملات (۲۷) و (۲۸) به روشنی نشان می‌دهند که ضمیر اشاره «æwæ» و «æmæ» که به ترتیب به معنی 'آن' و 'این' هستند می‌توانند به جای گروه اسمی «qæmæɹ» 'ماشین' بیایند بدون آنکه تغییری در معنا ایجاد کنند. به این ترتیب گروه اسمی [qæmæɹ-ek-i dʒwan-i] 'ماشینی زیبا'، یک سازه تشکیل می‌دهد که می‌توان آن را با ضمائر اشارهٔ مذکور جایگزین کرد.

27) ?æli qæmæɹ -ek -i dʒwani bæ qimæt -ek -i hæɹzan kerɪ.  
ali car- the - cl<sup>66</sup> beautiful the in price -id cheap buy.  
(علی ماشینی زیبا را با قیمت ارزان خرید.)

28) ?æli æwæ/æmæ -i bæ qimæt -ek -i hæɹzan kerɪ.

57. D. Adger

58. A. Radford

59. L. Haegman

60. J. Gueron

61. pro-sentence

62. pro-verb

63. pro-noun

64. pro-adverb

65. pro-adjective

66. clitic



ali that/ this -cl in price - the-id cheap buy.

«علی آن/این را به قیمتی ارزان خرید.»

حال اگر بتوانیم زنجیرهٔ مشخص شده در درون قلاب را که موسوم به خرده‌جمله است، در مکالمهٔ (۲۹) با عنصری جانشین کنیم و در خوش‌ساختی جمله خدشه‌ای وارد نشود، می‌توان زنجیرهٔ مدنظر را یک سازه در نظر گرفت. در مکالمهٔ (۲۹) که بین دو شخص (الف) و (ب) صورت گرفته است، زنجیرهٔ [merjæm bæ ensaneki zana] همان زنجیرهٔ [NP XP] است. شخص (الف) دربارهٔ نظر 'وینا' مبنی بر "زیرک بودن مریم" صحبت می‌کند. چنانچه شخص (ب) با توجه به بافت و به منظور پرهیز از تکرار این زنجیره را با عنصری جایگزین کند و همچنان جمله خوش‌ساخت باشد، نتیجه خواهیم گرفت زنجیرهٔ موردنظر تشکیل یک سازه می‌دهد. در این گفتگو ملاحظه می‌شود که شخص (ب) از تکرار زنجیره خودداری کرده و در تصدیق گفتهٔ شخص (A) جملهٔ موردنظر را به صورت (B1) و (B2) تکرار می‌کند و در هربار تکرار با عنصر جایگزین خوش‌ساختی و درک متقابل حفظ شده است. بدین ترتیب در جملهٔ (B1) زنجیرهٔ مذکور با عنصر جانشین «æmæ»، 'این' جایگزین شده است. در جملهٔ (B2) این زنجیره توسط عنصر «wa» اینگونه 'جانشین شده است. در نتیجه می‌توان این زنجیره را یک سازه تلقی کرد.

29) a. vina [merjæm bæ ensan - ek - i zana] də zanet.

vina maryam as human- the -id wise Know.

«وینا مریم را فردی باهوش می‌داند (می‌پندارد).»

b. 1: žiar -iš æmæ dəzanet.

žiar -too that know.

«ژیاری هم آن را می‌داند.»

2: žiar -iš wa dəzanet.

žiar-too like Know.

«ژیاری هم اینگونه می‌پندارد (فکر می‌کند).»

### ۳-۴- آزمون پاسخ‌سازه‌ای

هگمن (۲۰۰۶: ۵۲) معتقد است زنجیره‌ای از کلمات که در پاسخ به سؤالی می‌آیند در تبادلات زبانی یک واحد و به بیانی یک سازه محسوب می‌شوند. در واقع پاسخ به یک سؤال جای خالی اطلاعات ناقصی را پر می‌کند که در سؤال به صورت «چه کسی، چه چیزی، کدام و ...» می‌آیند. در تحلیل زنجیرهٔ [NP XP] چنانچه بتوان این زنجیره را در پاسخ به سؤالی آورد، می‌توان نتیجه گرفت

که سازه مذکور رفتاری مشابه یک سازه دارد. به این ترتیب، اگر زنجیره [NP XP] محصور در قلاب در جمله شماره (۳۰) یک سازه است، پس باید بتوان آن را در پاسخ به سؤال مطرح شده در مکالمه آورد. طبق تعریف آرتس (۲۰۰۱: ۱۹۳) که پیش‌تر نقل شد، سازه‌ها رفتار نحوی و معنایی یکسانی دارند؛ به عبارت دیگر، زنجیره‌ای از کلمات که با هم یک واحد معنایی تشکیل دهند، یک سازه می‌سازند. در نتیجه، اگر این امکان وجود داشته باشد که در پاسخ به سؤال (۳۱) دگرگویی<sup>۶۷</sup> زنجیره را نیز آورد، می‌توان زنجیره مذکور را یک سازه تلقی کرد. در پاسخ به سؤال شماره (۳۱) دگرگویی زنجیره در (۳۱ b)، بندی خودایستا، آورده شده است. بنابراین باز هم این زنجیره خود را به صورت یک سازه نشان می‌دهد.

30) xaʔk [ʔæli bæ aqet] dæzanen.  
 people ali as wise know  
 «مردم علی را عاقل می‌دانند.»

31) a. xaʔk **chi** dæzanen?  
 people what know  
 «مردم چه چیزی را می‌دانند؟»

b. ʔæli aqel -æ.  
 ali wise -is  
 «علی عاقل است.»

#### ۴-۴-۴- آزمون دگرگویی

از آزمون دگرگویی<sup>۶۸</sup> نیز به‌عنوان یکی دیگر از آزمون‌های تشخیصی می‌توان برای تشخیص و اثبات وضعیّت سازه‌بودگی زنجیره موردنظر بهره برد. به عقیده ردفورد (۱۹۸۸) اگر بتوان معادلی معنایی برای زنجیره‌ای بیاوریم، آن زنجیره یک سازه است، مشروط بر اینکه معادل معنایی به کار برده شده نیز خود یک سازه باشد در غیر این صورت آن زنجیره نیز سازه محسوب نخواهد شد. جملات شماره (۳۳)، (۳۵) و (۳۷) به ترتیب دگرگویی‌های جملات شماره (۳۲)، (۳۴) و (۳۸) هستند. در جملات زیر، زنجیره‌های داخل قلاب در هر جمله دگرگوهایی دارند که به صورت بند خودایستا است. به عبارت دیگر، زنجیره [merjæm bæ zana] در جمله شماره (۳۲) معادلی معنایی دارد که در

67. paraphrase

68. paraphrase

جملهٔ شمارهٔ (۳۳) به صورت بندی خودایستا است، [merjæm zor zana -s]. در نتیجه از آنجا که دگرگویی‌های متناظر با زنجیره‌ها خود سازه هستند، زنجیرهٔ موردنظر را نیز یک سازه در نظر می‌گیریم.

32) ?æli [merjæm bæ zana] dæzanet.

ali maryam as wise know

«علی مریم را دانا می‌داند.»

33) ?æli wa dæzanet [merjæm zor zana -s]

ali like know maryam very wise is

«علی فکر می‌کند مریم خیلی دانا است.»

34) vina [moħæmmæd bæ aqel] dæzanet.

vina mohammad as wise know

«وینا محمد را عاقل می‌داند.»

35) vina [Moħæmmæd -i pe aqel -æ].

vina mohammad -the to wise-is

«به نظر وینا محمد عاقل است.»

36) ?æw [žiar bædžærg] dæzanet.

he žiar bravw know

«او ژیار را شجاع می‌پندارد.»

37) dæzanet [žiar bæjærg -æ].

know žiar brave -is

«فکر می‌کند ژیار شجاع است.»

## ۵- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، در چارچوب نظریهٔ حاکمیت و مرجع‌گزینی و به منظور بررسی سازه‌بودگی زنجیرهٔ شبه خرده‌جملهٔ [NP XP] در گویش سورانی، گونهٔ موکریانی انجام گرفت. در ابتدا، ضمن ارائهٔ تعاریفی از خرده‌جمله، برخی مطالعات صورت گرفته پیرامون خرده‌جمله ذکر شد. این مطالعات در سه دستهٔ کلی طبقه‌بندی شدند. دستهٔ اول قائل به وجود خرده‌جمله به صورت سازه هستند. دستهٔ دوم معتقد به حضور خرده‌جمله در یکی از سطوح اشتقاق هستند. در مقابل، دستهٔ سوم ماهیت این زنجیره را سازه‌ای متفاوت از خرده‌جمله در نظر دارند. در ادامه، در بخش تحلیل داده‌ها، با استناد به استدلال‌هایی مانند مرجع‌گزینی و چند آزمون تشخیصی چون عنصر جانشین، آزمون پاسخ‌سازه‌ای و آزمون دگرگویی ماهیت زنجیرهٔ مورد مطالعه به‌عنوان سازه اثبات شد. در واقع در تمامی آزمون‌ها،

زنجیره مذکور که به صورت [V NP XP] است مانند سازه عمل می‌کند. به این ترتیب، در تمامی استدلال‌های ارائه‌شده، زنجیره [NP XP] در گونه موکریانی و در جایگاه متمم افعالی چون «faerz kerden» 'فرض کردن'، «zanin» 'دانستن'، «bæ hesew henan» 'به حساب آوردن'، «new nenan» 'نامیدن'، و «bæ næzær haten» 'به نظر آمدن' یک سازه تشکیل می‌دهد؛ سازه مذکور خرده‌جمله است.

## منابع

- درزی، علی (۱۳۸۹). شیوه استدلال نحوی. تهران: سمت.
- غلامعلی‌زاده، خسرو (۱۳۷۴). ساخت زبان فارسی. تهران: احیاء کتاب.
- کلباسی، ایران (۱۳۶۲). گویش کردی مهاباد. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- Adger, D. (2002). *Core Syntax a Minimalist Approach*. Oxford: Oxford University Press.
- Arts, B. (1992). Small Clauses in English: the Nonverbal Types. *Topics in English Linguistics 8*. Berlin and New York: Mpoton du Gruyter.
- (2001). *English Syntax and Argumentation*. Hampshire: Palgrave.
- Baltin, M. (1998). A Non-argument for the Small Clauses as Constituents. *Linguistics Inquiry*, 29(3), 513-525.
- Bhatt, R. (2005). Long Distance Agreement in Hindi- Urdu. *Natural Language and Linguistic Theory*, 23, 757-807.
- Cardinaletti, A. and M. T. Guastis (1995). *Syntax and Semantics: Small Clauses Vol. 28*. London Academic Press.
- Chomsky, N. (1986). *Knowledge of Language, its Nature, Origin, and Use*. New York: Praeger.
- (1993). "A Minimalist Program for Linguistic Theory". *MIT Occasional Paper in Linguistics 1*, 1-52.
- Crystal, D. (2003). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. Blackwell.
- Darzi, A. (2006). "Small Clauses in Persian". *J. Humanities* 13:1, 13-30.
- Haegeman, L. (1994). *Introduction to Government and Binding Theory*. Cambridge Mass: Blackwell.
- (2006). *Thinking Syntactically*. Oxford: Blackwell Publisher.
- and Jacqueline Guèron (1999). *English Grammar, a Generative Perspective*. Oxford: Blackwell.
- Hukari, T. and R. Levine (1991). On the Disunity of Unbounded Dependency Constructions. *Natural Languages and Linguistic Theory* 9, 27-144.
- Irimia, M. A. (2012). *Secondary Predicats*. Ph.D. Dissertation. Toronto University.
- Napoli, D. J. (1993). *Syntax: Theory and Problem*. Oxford: Oxford University Press.
- Pollard, C. and I. Sag (1994). *Head-driven Phrase Structure Grammar*. CSLI Publications.
- Radford, A. (1988). *Transformational Grammar: A First Course*. Cambridge University

Press.

Rizzi, L. (1986). Null Object in Italian and Theory of Pro. *Linguistic Inquiry*, 17, 501-557.

Safir, K. (1983). On Small Clauses as Constituents. *Linguistic Review*, 2(3), 285-312.

Stowell, T. (1983). Subject across Categories. *Linguistic Review*, 2(3), 285-312.

----- (1991). *Small Clause Restructuring*. MIT Press.

Williams, E. (1983). Against Small Clauses. *Linguistics Inquiry*, 14(2), 287-308.

Yokoyama, T. (2012). *On the Existence of Small Clauses in Japanese*. M.A. Thesis. University of Toronto.

